

مروری بر رمان‌هایی که آمریکا بدون روتوش را برای خواننده روایت می‌کنند

## زیر پوست آمریکا



حسام آبنوس

دبیر قفسه کتاب

آمریکا، اگر قرار باشد جغرافیایی با آن مواجه شویم کشوری است در قاره‌ای با همین نام که در تقسیماتی که روشن نیست چه کسی آن را وضع کرده، در قسمت غربی کره زمین جای گرفته است و در نقشه‌های جغرافیایی معمولاً سمت چپ نقشه دیده می‌شود. اگر قرار باشد اقتصادی و سیاسی درباره آمریکا حرف بزنیم نوع مواجهه متفاوت خواهد شد. درباره آمریکا حرف زدن بدون توجه به مظاهر تکنولوژیک آن عمل کاری بی‌فایده است زیرا بخش مهمی از توجه افکار عمومی جهان وابسته به پیشرفت‌های تکنولوژیک این کشور است. با این حال قرار نیست اینجا درباره آمریکا تکنولوژیک حرف بزنیم بلکه می‌خواهیم از مفهومی به نام «آمریکا» سخن بگوییم، مفهومی که مصداقش در جغرافیایی که از آن اسم بردیم قرار دارد ولی می‌تواند در سراسر عالم گسترش پیدا کند و حتی در نمونه‌های ضدآمریکایی عالم نیز خود را نشان دهد.

شاید تعبیر زیرپوست آمریکا، عبارت بدی نباشد برای این که بخواهیم زیرپوست کد خدا را نمایش بدهیم. عبارتی که برای رسیدن به آن باید تکنولوژی، اقتصاد، سیاست و ابزاری که در خدمت آنها قرار دارد را کنار گذاشت تا بتوان به عمق آن رسید. رسانه‌هایی که می‌خواهند تصویری آرمانی از این آرمان شهر مثالی را به خواننده نشان دهند، هرچند در همین رسانه‌ها گاهی تک‌مضارب‌هایی از زیرپوست آمریکا به نمایش درمی‌آید ولی این رویه ثابت نیست؛ به این معنا که این‌طور نیست همیشه رسانه‌ها اعم از رسانه‌های خبری و غیرخبری (هالیوود نمونه اعلا رسانه غیرخبری)

تصویری از زیرپوست آمریکا نشان دهند، ولی آمریکا برای «نمایش آزادی بیان» تلاش می‌کند برخی نمونه‌ها را در حکم تک‌خال رو کند تا بتواند تصویری که می‌خواهد از یک مدینه فاضله را به ذهن مخاطبش تزریق کند، مدینه‌ای که نسبتی با واقعیت ندارد و تنها نقابی است که بر صورت آمریکای واقعی گذاشته شده و چه بسا یزد کسانی که با همین نقاب فریب می‌خورند و کعبه آمال‌شان را در «ینگه دنیا» تصور می‌کنند.

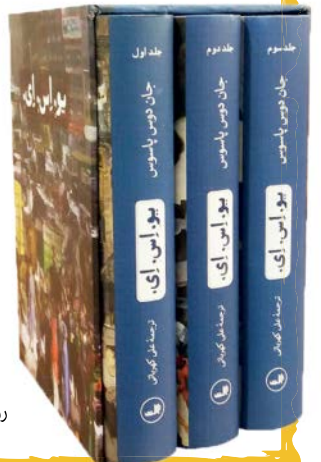
در این شماره سراغ کتاب‌هایی می‌رویم که در آنها تصویری از آمریکایی که هست هنرمندانه به نمایش گذاشته شده است. آمریکای اختلاف طبقاتی، آمریکای تبعیض نژادی، آمریکای فقر و غنا و... همه آن چیزهایی است که از آن با عنوان آمریکا یاد می‌شود. آمریکایی که از دو جنگ بزرگ جهان گستر بر کنار ماند و توانست تبدیل شود به جزیره امنی که سرعت رشد آن در سال‌های جنگ بالاتر برود. جزیره‌ای که با کنار ماندن از جنگ در روزهایی که دیگر نقاط جهان یا درگیر جنگ بودند یا مشغول بازسازی آسیب‌های جنگ، توانست سود فروش اسلحه و تجهیزات نظامی و تکنولوژیک خود را صرف توسعه و پیشرفت خود کند. این تصاویر و تصاویر دیگر، اغلب در رسانه‌ها بازتاب داده نشده و تصاویری فانتزی و رنگی از آمریکا و سبک زندگی آمریکایی در رسانه‌ها تکثیر شد تا آنچه واقعیت آمریکاست و ما از آن با عبارت «زیرپوست آمریکا» یاد کردیم، نادیده بماند. رمان‌ها و داستان‌هایی که توسط کسانی که مزه واقعیت آمریکا را چشیده‌اند نوشته شده به خوبی گویای حقیقتی است که در رسانه‌ها کمتر بازتاب دارد. در واقع باید گفت این آثار آمریکا را از زبان خودش معرفی و شناسانده‌اند.

### بی‌قهرمان!

«یو.اس.ای» قهرمان ندارد. قهرمان این کتاب مردمی هستند که در آن به شکل و شمایل مختلف حضور دارند. این رمان که بسیاری نویسنده‌اش را بزرگ‌ترین نویسنده قرن بیستم خوانده‌اند تصویری از سال‌های پیش از جنگ جهانی اول تا رکود اقتصادی آمریکا در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم را برای خواننده‌اش ترسیم کرده است.

«USA» در واقع روایت یک کشور است و البته مهم‌تر از آن مردمی که در این کشور روزگار می‌گذرانند. در این رمان خواننده با جامعه آمریکا مواجه است و به همین خاطر است که بسیاری دوس پاسوس را تجربه‌گرترین نویسنده آمریکایی که سنت جوییش را ادامه داده می‌دانند. او در توصیف وزنده ساختن صحنه‌های اجتماعی به قدری تلاش می‌کند که نویسندگان دیگر در شخصیت‌پردازی تلاش کرده‌اند. در اینجا ما با شخصیت واحدی روبه‌رو نیستیم بلکه جامعه و مردمان آمریکا هستند که داستان را شکل می‌دهند و نویسنده در متفاوت‌ترین حالت ممکن (به نسبت زمانه خود و حتی به نسبت امروز) دست به روایت آمریکا زده است. آنچه در این اثر مهم است جامعه است و آدم‌ها در آن دست دوم محسوب می‌شوند. نویسنده با کوششی بزرگ و ستودنی و با کنار هم قرار دادن روش‌های مختلف، ترکیبی ساخته که واقعیت آمریکای نام دارد. او با بریده‌های مختلف و ترکیب‌های متفاوت تلاش کرده تا تصویری را که در ذهنش دارد با ادبیات به مخاطبش نشان دهد. نویسنده می‌خواهد

تاثیر محیط اجتماعی و به‌ویژه محیط اقتصادی را به افراد نشان دهد بنابراین باید محیط را زنده و در حال حرکت ترسیم کند. تکه‌هایی از ترانه‌های روز، نطق‌های سیاسی، تیتراهای روزنامه‌ها، بیوگرافی اشخاص واقعی و «تاریخی» - که زندگی‌شان با زندگی آدم‌های داستان درآمیخته است - لابه‌لای داستان بُر می‌خورد. در مجموع این رمان یکی از متفاوت‌ترین تجربه‌های داستانی درباره آمریکا است که در آن واقعیت جامعه با روایتی بکر برای خواننده بازگو شده است.



### درس‌گفتار آمریکا!

ای. ال. دکتروف را یا نمی‌شناسند یا اگر بشناسند با «رگتایم» نمی‌شناسند! شاید درس‌گفتارهای ادبیات او مشهورترین اثری باشد که در میان آثارش به فارسی ترجمه شده و بسیاری این مجموعه را می‌شناسند. از این مسیر است که بسیاری آثار دیگر او را می‌شناسند و می‌خوانند ولی کمتر کسی را می‌توان یافت که از مسیر آثارش مثلاً به درس‌گفتارهای ادبیات او رسیده باشد. با این حال دکتروف آثار داستانی بسیاری دارد که برخی از آنها را باید در زمره شاهکارهای ادبیات قرن بیستم جای داد. درونمایه آثار دکتروف حول نوشتن از زندگی محرومان آمریکا می‌گذرد و این را در رمانی به اسم «پیش روی» نیز می‌توان مشاهده کرد که در یک بستر تاریخی (جنگ داخلی آمریکا) دست به روایت زندگی طبقات فرودست جامعه زده است. شاید رگتایم را بتوان نمونه برجسته در روایت زندگی فرودستان و مهاجران آمریکا نامید. این رمان، اثری است پست‌مدرن که شروع انقلاب صنعتی را در آمریکا مورد نقد قرار می‌دهد. ورود مهاجران از کشورهای مختلف به آمریکا، انضباط و آرامش جامعه را بر هم زده است و به سودجویان و صاحبان صنایع این فرصت را داده است که مهاجران را به صورت اختیاری یا اجباری به عنوان نیروی کار به خدمت بگیرند. در این میان، هرکس که خود را با تحولات جدید سازگار کند، فرصت پیشرفت برای او فراهم می‌شود. اما ایستادگی در برابر این تحولات، پایانی جز شکست و نابودی ندارد. این تمام آن چیزی است که در این اثر خواننده با آن مواجه خواهد شد ولی به شکلی که نه تنها خسته نمی‌شود بلکه آرزو می‌کند این اثر درخشان به پایان نرسد. رمانی که باید آن را درس‌گفتار دکتروف در زمینه روایت آمریکا نامید. داستانی که با شروعی جذاب و دنباله‌ای خیره‌کننده خواننده را دنبال خود می‌کشد.

### صدای اقلیت

«نفرتی که تو می‌کاری» از جمله رمان‌هایی است که از روی آن فیلم ساخته‌اند و جوایز مختلفی نیز به دست آورده ولی به شهرتی که آثار دیگر دست پیدا می‌کنند، نرسیده است. شاید اگر این رمان هم در دسته فانتزی‌های آمریکایی بود مخاطب ایرانی بیش از اینها می‌شناختش. اصلاً چه توقعی است، وقتی دکتروف را نمی‌شناسیم یا نام دو سه اثرش را نمی‌دانیم اسمی از اثر قرن بیست و یکمی شنیده باشیم. انجی توماس در این اثر تلاش کرده صدای اقلیت جامعه آمریکایی باشد، اقلیتی که خود بخشی از آن است. نویسنده‌ای رنگین‌پوست که رمانی از زبان دختر رنگین‌پوست نوجوانی روایت می‌کند که شاهد یک جنایت است. جنایتی علیه رنگین‌پوست‌ها. این رمان از آثاری است که در دسته آثار ضد تبعیض نژادی قرار می‌گیرد که با زبانی ساده از زاویه دید یک نوجوان و تأثیری که این رفتارها بر جوامع و ذهن آیندگان می‌گذارد بازگو شده است. این رمان که تلاش می‌کند تصویر انسان‌های تنها و بی‌صدرا را بازتاب دهد در زمان انتشار سرو صدای بسیاری در میان مخاطبان انگلیسی‌زبان ایجاد کرد. این رمان ۴۰۰ صفحه‌ای در همان صفحات ابتدایی ضربات سنگینی به خواننده وارد می‌کند تا از واقعیتی به اسم آمریکا سخن بگوید. رمانی که شاید برای بسیاری تنها یک روایت داستانی باشد ولی واقعیت در سراسر آن جریان دارد و آن واقعیت را باید واقعیت آمریکایی نامید.

